





دانشکده ادبیات

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد "M.A."

رشته فقه و حقوق اسلامی

عنوان:

اصل کرامت انسانی در فقه امامیه و کاربرد آن در حقوق موضوعه

استاد راهنمای اول:

جناب آقای دکتر سید مهدی صالحی

استاد راهنمای دوم:

جناب آقای دکتر سید مهدی قریشی

نگارش:

معصومه ابراهیمی گهراز

زمستان ۱۳۹۴

سپاسگزاری:

از اساتید راهنمای خود جناب آقای سید مهدی صالحی و جناب آقای سید مهدی قریشی که در این پایان نامه با راهنمایی های خود و با صبر و شکیبایی مرا راهنمایی کردند و همچنین از سایر اساتید خود که در این مقطع از تحصیلم از خوان بی دریغ آنان استفاده کرده ام تشکر می نمایم.

تقدیم به:

همسر عزیز و مهربانم که در سختی‌ها و دشواری‌های زندگی همواره یآوری دلسوز و فداکار و پشتیبانی محکم و مطمئن برایم بوده‌اند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	چکیده:.....
۱۱	مقدمه:.....
۱۶	کلیات.....
۱۷	بیان مسأله.....
۱۸	پرسش اصلی تحقیق:.....
۲۰	ضرورت و اهمیت پژوهش:.....
۲۱	فصل اول-شناخت مفهوم کرامت.....
۲۱	مبحث اول-تعاریف لغوی کرامت.....
۲۳	کرامت انسان در قرآن.....
۲۴	منشأ و شؤونات کرامت ذاتی.....
۲۵	شناخت مفهوم اصطلاحی کرامت.....
۲۷	ماهیت کرامت از دیدگاه نظام حقوقی اسلام.....
۲۸	کرامت مؤمنان در مقام اثبات.....
۲۸	سلب کرامت از غیر مومن.....
۲۹	اثبات حرمت(کرامت انسانی) برای افراد انسان.....
۳۰	برهان لمّی و برهان اُنّی.....

۳۴ مفهوم حقوق
۳۴ حقوق
۳۴ «حقوق موضوعه» :
۳۵ مفهوم عدالت
۳۷ مفهوم انصاف در قاعده های فقهی - حقوقی
۴۲ مساوات حقیقی
۴۳ مساوات در برابر قانون :
۴۴ اهمیت حفظ کرامت و منزلت انسان
۵۹ حقوق متقابل مردم و حکومت
۶۲ حق دادخواهی و رسیدگی به اتهام در دادگاه صالح
۶۴ آزادی متهم در دفاع از خویش
۶۶ سکوت عمدی حقوق بشر در ارجاع به سوابق دینی
۶۷ عنصر تقوا به عنوان عامل باز دارنده جرایم
۷۱ توسعه تفکر توحیدی در سطح جوامع بشری
۷۳ اقامه قسط و عدل در سطح جوامع بشری
۷۵ صیانت از حرمت جان انسان ها
۷۶ صیانت از حرمت مال انسان ها
۷۶ صیانت از حرمت آبروی انسان ها
۷۷ صیانت از کرامت انسانی حتی پس از مرگ

۷۸ اولویت دادن به امور معنوی
۸۰ فصل دوم
۸۰ (اصل کرامت انسانی در اسلام و مقایسه آن در غرب)
۸۱ کرامت انسان در اسلام
۸۴ کرامت محور تربیت
۸۵ راه های کرامت
۸۶ گرامی داشتن نفس و اصل عزت
۸۹ حقوق بشر
۹۰ کرامت ذاتی و اکتسابی انسان
۹۱ حقوق بشر و کرامت انسانی
۹۲ آموزه مهدویت
۹۴ کرامت ذاتی انسان در آموزه مهدویت
۱۰۰ کرامت ذاتی انسان امری برون دینی
۱۰۱ کرامت ذاتی انسان در اعلامیه جهانی حقوق بشر
۱۰۳ حقوق بشر و ریشه های دینی آن :
۱۰۴ کانت و فلسفه حقوق بشر
۱۰۴ شرح لفظ و مضمون «حقوق بشر»
۱۰۷ حقوق بشر در اسلام
۱۰۷ اصول کلی و مبانی حقوق بشر

- ۱۰۸.....برده داری و اسلام
- ۱۰۹.....اصل خدا جو بودن انسان
- ۱۱۰.....انواع کرامت در قرآن
- ۱۱۱.....اصل جاودانه بودن انسان
- ۱۱۲.....مهم ترین موارد حقوق بشر
- ۱۱۲.....حق حیات
- ۱۱۴.....حق آزادی
- ۱۱۴.....تعریف آزادی
- ۱۱۵.....حق مساوات
- ۱۱۵.....مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر
- ۱۱۷.....کرامت ذاتی انسان امری برون دینی
- ۱۱۹.....نمونه تعصّب ایدئولوژیک
- ۱۲۶.....شکر گرایی یکی از مصادیق کرامت
- ۱۲۷.....دیوار سوء تفاهم فرو می ریزد
- ۱۲۸.....اصل برائت یابی گناه
- ۱۲۹.....پویائی فقه
- ۱۳۰.....موارد حمایت قوانین موضوعه در صیانت از اصل کرامت انسانی
- ۱۳۱.....تحلیلی از حقوق جهانی بشر
- ۱۳۴.....اشکال عمده حقوق بشر

- فصل سوم ۱۳۶
- تحلیلی بر کرامت انسان - حق شهروندی ۱۳۷
- حقوق شهروندی ۱۳۹
- شهروندی از دیدگاه اسلام ۱۳۹
- کرامت شهروندان در حکومت ۱۴۱
- حکومت، پاسدار کرامت و حقوق شهروند ۱۴۳
- استبداد، دشمن کرامت انسان ۱۴۵
- کرامت انسان در فقه و حقوق اسلامی ۱۴۶
- کرامت انسانی قاعده ی فقهی ۱۴۸
- حفظ کرامت انسان ، یکی از مقاصد عامه شریعت ۱۵۰
- جمع بین دو مبنا : ۱۵۲
- جایگاه کرامت الهی در استنباط احکام ۱۵۳
- کرامت الهی ، قاعده ی فقهی ۱۵۴
- تناسب مفاد هر یک از کرامت انسانی و کرامت الهی با موضوع خود ۱۵۴
- کرامت عرفی _ اجتماعی ۱۵۵
- جایگاه کرامت عرفی _ اجتماعی در استنباط حکم ۱۵۵
- ادله ی مطلوبیت حفظ کرامت عرفی ۱۵۶
- هتک حرمت مفهومی عرفی ۱۵۶
- جمع بندی ۱۵۷

نتیجه گیری: ۱۵۹

منابع: ۱۶۰

چکیده:

درباره اصل کرامت انسانی در فقه امامیه و کاربرد آن در حقوق موضوعه که از موضوعات بسیار مهم در قلمرو حقوق، فلسفه، اخلاق و عرفان و به طور کلی در علوم انسانی است؛ پژوهشهای چشمگیری به عمل نیامده بود تا تبدیل به کتابی و یا پایان نامه ای گردد و لذا جای خالی این موضوع احساس می شد. مخصوصاً با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸، کرامت انسان به عنوان مبنای مهمی برای تبیین و تدوین حقوق انسان به صورت جدی به عرصه حقوقی و قانونی وارد گردید، به طوری که امروزه بسیاری از کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران قانون اساسی خود را بر مبنای کرامت انسان تدوین می کنند. در این پایان نامه جایگاه کرامت انسان در فرآیند استنباط احکام و حقوق اسلامی بررسی گردیده و ثابت گردیده است که کرامت انسان در فرآیند اجتهاد (فقه و حقوق) می تواند منشأ نفی و اثبات بوده و صیانت کرامت انسان می تواند به عنوان یکی از مقاصد عام شریعت، در کانون یک قاعده فقهی قرار بگیرد و مستند و محصل برخی از فتاوی فقهی خصوصاً در عرصه جهانی و بین المللی باشد.

اصل کرامت، فقه امامیه، حقوق موضوعه، حقوق بشر.

مقدمه:

خداوند را ازین دندان ثنا می گویم که منشأ و منبع کرامت اوست. هموست که انسان را کرامت بندگی بخشیده و او را مفتخر به «تاج کرمنا» نموده است تا در پرتو عبادت و نیایش او مراتب کرامت را طی کند و به مرتبه اعلائی آن صعود نماید. درود بیکران بر بندگان کریم خدا، انبیا و اولیا خصوصاً قافله سالار این راه محمد مصطفی (ص) و خاندان پاکش که دوستی ایشان کرامت و دشمنی آنان لثامت است.

« در نظام اسلامی هر آن چیزی که تکریم انسان در آن خدشه دار بشود و کرامت انسانی در آن پایمال بشود مردود است و هر آن چیزی که انسان را رشد می دهد و به تعالی و معنای واقعی انسان نزدیک می کند او مطلوب و مرغوب است.»

تمام حجم این پایان نامه در تفصیل این گزاره است که: «کرامت انسان، در فرآیند اجتهاد (فقه و حقوق) منشأ نفی و اثبات است که برای تبیین موضوع و محمول این گزاره نیاز به بحث های مفصل است که در این پایان نامه به عمل آمده است.

به طور کلی مباحث مطرح در این پایان نامه حول دو محور می چرخد و شالوده ی آن بر دو بخش استوار است: بخش نخست که مربوط به موضوع شناسی است و بخش دوم عهده دار بررسی محمول قضیه خواهد بود.

در بخش موضوع شناسی سعی شده است به سوالات زیر پاسخ داده شود:

کرامت چیست و چه مفهومی دارد؟ آیا کرامت انسان علاوه بر وجود ذهنی، وجود خارجی هم دارد؟ دلیل وجود کرامت برای انسان چیست؟ البته ترتیب این گونه سوال و جواب ها ممکن است با ترتیب مباحث منطقی تفاوت داشته باشد. چرا که لازم بود بر اساس موازین پژوهش و تحقیق در موضوعات علمی - اخلاقی و یا فقهی و حقوقی ابتدا با مراجعه به کتب مرجع نظیر برخی از لغت نامه ها پاسخ پرسش نخست را می یافتیم و در این جهت از آن جا که زمینه تحقیق بحث فقهی بود به مقتضای موضوع باید به متون شرعی مراجعه می کردیم. بعد از تحلیل مفهومی کرامت به بررسی ویژگی های کرامت می پرداختیم.

از جمله اینکه آیا کرامت ذاتی است یا غیر ذاتی؟

زیر شاخه های مربوط به کرامت کدام اند؟

و لذا بخش نخست در دو فصل تدوین گردید که در فصل نخست مفهوم کرامت بررسی گردید و در فصل دوم به بررسی ماهیت کرامت از دیدگاه نظام حقوقی اسلام پرداخته شد.

ضمن اینکه پیرامون هر یک از موضوعات فوق موضوعات دیگری نیز مرتبط با آن موضوعات مطرح شده است.

در بخش دوم طی موضوعات و مباحث فراوانی به محمول قضیه پرداخته شد اینکه کرامت انسان منشأ نفی و اثبات است در احکام و قوانین الهی یک گزاره کلی بوده و میزانی که بتواند ویژگی های دخالت این مفهوم را در فرآیند استحصال حکم شرعی بررسی کند؛ استحصال حکم شرعی بررسی کند، به عهده دانش اصول فقه است. و به همین جهت پس از مطالعه آراء فقها و حقوق دانان به این نتیجه رسیدیم که موضوع

کرامت که در سه مرحله کرامت انسانی، کرامت الهی و کرامت عرفی قابل تقسیم و مطالعه است منشأ استحصال حکم شرعی می تواند باشد. نکته دیگری که شایسته توضیح است این است که در جهان کنونی مهم ترین مسئله حقوقی، حقوق مشترک بشر است و در میان مبانی حقوق بشر، کرامت انسان بنیادی ترین اصل به شمار می رود. و لذا هر جا که موضوع اقتضا می کرد از حقوق بشر مطرح در اسلام و حقوق بشر مطرح در اعلامیه ی جهانی سخن به میان آمد. چرا که در مقدمه ی اعلامیه ی جهانی حقوق بشر [نیز] آمده : از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه ی اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل می دهد.

(مهر پور، ۱۳۷۴ : ۳۶۰)

در بسیاری از میثاق های بین المللی نیز سخن از کرامت انسانی به میان آمده است.

اساساً این مسئله در جهان غرب ابتدا در بین مسائل فلسفی رخ داد. (MECRUDEEN, 2006)

و سپس پا به عرصه ی حقوق بشر گذاشت و بلاخره در دسامبر سال ۱۹۴۸ هم زمان با جنگ جهانی دوم با تدوین اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، با صراحت تمام، مهم ترین مبنای حقوق بشر معرفی گردید.

در مقدمه این اعلامیه آمده است : از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه ی اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل می دهد، از آنجا که عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه گردیده است که روح بشر را به عصیان وا داشته و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشد به عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است؛ از آنجا که اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نگردد، از آنجا که اساساً لازم است توسعه روابط بین المللی را مورد تشویق قرار داد، از آن جا که مردم ملل متحد ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن مجدداً در منشور اعلام کردند و تصمیم راسخ گرفتند که به پیشرفت اجتماعی کمک کنند و در محیطی آزاد تر وضع زندگی بهتری را به وجود آورند.

(حقیقت پور، ۱۳۹۲ : ۱۸)

در دو ماده این اعلامیه چنین آمده است :

ماده یک- ابنای بشر همه آزاد به دنیا می آیند و در کرامت و حقوق با هم برابر اند؛ همه از موهبت خرد و وجدان برخوردارند و باید باهم برادر وار رفتار کنند

ماده دو- هر کس بی هیچ گونه تمایزی از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقاید سیاسی و غیر سیاسی، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از کلیه ی حقوق و آزادی های مذکور در این اعلامیه برخوردارند.

از این گذشته، هیچ تمایزی مبنی بر وضعیت سیاسی، قضایی یا بین المللی کشور یا سرزمینی که شخص به آن وابسته است خواه آن کشور و یا سرزمین، مستقل، تحت عنوان قیمومت یا غیر خود مختار باشد و یا به لحاظ حاکمیت تحت هر گونه محدودیت دیگری باشد مجاز نخواهد بود.

(ترجمه محمدعلی موحد، ۱۳۸۱: ۵۹۳-۵۹۴)

این اعلامیه که آن را می توان بزرگترین نقطه قوت در نظام غرب محسوب داشت و در نگاه متفکرانی چون نیچه، هایز و ماکیا ول که اصل انسان را بر گرگ بودن استوار می دانند و با نظرات کسانی همچون افلاطون و ارسطو که انسان ها را به دو گروه با کرامت و بی کرامت در سرشت و ذات اولیه تقسیم می کنند؛ تفاوت عمده ای دارد و گامی بلند در جهت ارتقای بشریت است.

اما تنها نقطه ضعفی که می توان به این منشور گرفت؛ عدم توجه به منشأ کرامت و نیز کرامت الهی است. به هر تقدیر این اعلامیه با نقاط قوت و ضعفی که داشت سر آغاز بحث های مفصل با محوریت کرامت انسانی و به عبارتی حق کرامت انسان ها شد.

و پس از آن بود که تدوین قوانین اساسی و عادی بسیاری از کشورهای غرب و شرق بر طبق این اصل فراگیر و آوردن لفظ کرامت در میان حقوق موضوعه مورد توجه قرار گرفت و یک امتیاز بزرگ تلقی شد. در کشور ما نیز پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در تدوین و تنظیم قانون اساسی، بدین مهم توجه ویژه مبذول شد، طوری که در اصل دوم، کرامت انسانی در کنار اموری چون توحید، معاد، نبوت، امامت و عدالت به عنوان یکی از شش مبنای کلی نظام مقدس جمهوری اسلامی معرفی گردید.

این مسأله با یاد آوری نظارت فقیهان جامع شرایط، فتوی بر فرایند تدوین این قانون، اهمیت بحث مبسوط و تحلیلی از موضوع مذکور را روشن تر می نماید در این پایان نامه اثبات شده است که کرامت انسان در

سه مرتبه ی کرامت انسانی ، کرامت الهی و کرامت عرفی _ اجتماعی قابل بررسی است و بحث از دو مرتبه اخیر نیز با توجه به مترقی بودن و جامع تر بودن حقوق اسلامی نسبت به حقوق بشر غربی لازم و ضروری است. و سخن از حقوق الهی از جمله کرامت الهی در کنار حقوق انسانی با نظر به دو بعدی بودن شخصیت انسان غیر قابل اغماض است و اگر تنها از جنبه مادی و جهت انسانی بنی آدم بحث شود ، حق انسان به طور کامل روا شده است و در نتیجه به او ظلم شده است.

بدین جهت بررسی مقوله ی کرامت انسان به معنای عام آن که شامل هر سه مرتبه ی مذکور است ، در حوزه نظریه حقوقی اسلام و استنباط دیدگاه آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این پایان نامه ثابت گردیده است که یکی از مقاصد مهم شریعت اسلام حفظ کرامت و شخصیت همه افراد است. اگر چه به رغم برخی از افراد سخن از کرامت انسان را تنها در علم اخلاق می توان مطرح کرد. اما به نظر می رسد مقوله کرامت در استنباط احکام الهی دخیل بوده و می تواند یکی از منابع حقوق بشر در اسلام و یا یکی از حقوق مشترک انسان ها از نگاه دین باشد.

لازم به توضیح است که امروزه پرسش ها و شبهات فراوانی با محوریت کرامت انسان از قبیل تفاوت دیه ی مسلمان و کافر ، تفاوت دیه ی زن و مرد در بیش از یک سوم ، وجود مجازات هایی از قبیل اعدام و قصاص ، شلاق یا قطع عضو_ مطرح گردیده ، که همه این مباحث نشان دهنده این مطلب است که نمی توان از کنار "کرامت" به آسانی گذشت بلکه به هر تقدیر لازم است فقیه جامع شرایط فتوی موضع خویش را چه در صغری و چه در کبری بحث از کرامت و جایگاه آن در فقه و تفقه مشخص نماید.

تا اگر "کرامت انسان" شأن دلالت در استحصال احکام را داشته باشد لازم است مباحثی جداگانه بدان تعلق گیرد. و باب استنباط به مقتضیات زمان همواره مفتوح است.

فصل اول

کلیات

بیان مسأله

یکی از موضوعات بسیار مهم در قلمرو حقوق، فلسفه، اخلاق و عرفان، «کرامت انسانی» است؛ زیرا این موضوع پایه و اساس بسیاری از حقوق، امتیازات و تکالیف انسانی است. کرامت انسانی، نه تنها به منزله یک حق یا مجموعه ای از حقوق غیر قابل سلب و انتقال است، بلکه محور و مبنای حقوق بشر تلقی می شود. پیشرفت و توسعه پایدار در هر جامعه ای، در گرو رعایت آن است. در صورت بی توجهی به این اصل و عدم التزام عملی به آثار آن، ارزش هایی چون عدالت، آزادی، برابری و صلح در روابط داخلی و بین المللی، مفهوم خود را از دست خواهد داد. در این صورت، شاهد جهانی پر از ظلم، بی عدالتی، بی مهری، خشونت، جنگ، تجاوز و تبعیض خواهیم بود و آرمان «تشکیل امت واحد جهانی» و «استقرار نظام جمهوری اسلامی» به خطر خواهد افتاد.

طرح بحث

بحث بر سر این است که: آیا می توان از کرامت انسان به عنوان یک قاعده کلی در فرآیند تحصیل حکم شرعی بهره برد؟ آیا می توان اثبات کرد که: کرامت انسان در فرآیند اجتهاد (فقه و حقوق) منشأ نفی و اثبات است؟ آیا کرامت انسان علاوه بر وجود ذهنی، وجود خارجی نیز دارد؟ آیا کرامت انسان ذاتی است یا غیر ذاتی؟ زیر شاخه های کرامت کدامند؟ کرامت در نزد فقها و حقوقدانان چه مفهومی دارد؟ و به طور کلی سوالاتی که در این تحقیق در پی پاسخ به آن هستیم از این قبیل است:

۱- ماهیت کرامت چیست؟

۲- آیا انسان به جهت انسان بودنش کرامت دارد؟

۳- اگر انسان کریم است کرامت او در چه مراحل قابل بررسی می باشد؟

۴- آیا کرامت ذاتی و لازم ذاتی انسان است یا اینکه عرضی و قابل زوال است.

۵- آیا کرامت انسان لوازم حقوقی و فقهی نیز دارد؟

در بخش اول به این گونه سوالات پاسخ داده می شود که مربوط به موضوع شناسی است. به هر تقدیر اگر این پایان نامه از یک موضوع و محمول تشکیل شده باشد، فصل اول این پایان نامه را موضوع شناسی و فصول بعدی را محمول و جمع بندی و نتیجه تشکیل خواهد داد .

ولذا چون هدف نهایی در این بخش اثبات اصل کرامت برای انسان است و ثبوت کرامت برای انسان به عنوان یک حق یا منشأ حقوق، از قضایای نظری محسوب می گردد، نیاز به اثبات دارد، که باید با استفاده از دلایل شرعی به اثبات آن مبادرت نمود. از طرفی به دلیل اینکه مفهوم کرامت از مفاهیم تصویری بدیهی نبوده، برای تصویر آن نیاز به بررسی است. به همین دلیل ما در بخش نخست به بررسی معنای لغوی و اصطلاحی کرامت می پردازیم، و بعد از تبیین مفهوم کرامت، به دلیل اینکه در متون روایی کرامت انسان به طور مستقیم مورد بحث واقع نشده، سعی شده است مفاهیم مترادف و متضاد آن نیز بررسی و کنکاش گردد تا بدین وسیله بتوان بحث جایگاه کرامت در فقه و حقوق اسلامی را مطرح کرد و به پیش کشید. ولذا با توجه به نظریه جفت های دوگانه از مفاهیم متضادی چون مفهوم لثامت و حقارت نیز لا محاله سخن به میان خواهد آمد. رابطه مفهوم کرامت و حرمت و مصادیق مشابه، تقسیمات مفهوم کرامت از مفاهیمی هستند که برای اثبات ما نحن فیه بسیار مؤثر می باشند.

پس از فراغت از کلیات و موضوع شناسی و مباحث مفهومی، بخش دوم این تحقیق را مباحثی چون مفهوم کرامت از دیدگاه نظام حقوقی اسلام و حقوق بشر تشکیل خواهد داد. اما در مهم ترین مبحث پایان نامه که اثبات کرامت برای انسان است، نخست باید به تحلیل مفهومی و شناخت کرامت پردازیم.

پرسش اصلی تحقیق :

آیا می توان از کرامت انسان به عنوان یک قاعده ی کلی در فرایند تحصیل حکم شرعی بهره برد؟ یکی از موضوعات بسیار مهم اخلاقی مطرح در فقه امامیه که ریشه قرآنی هم دارد اصل کرامت انسانی و کاربرد آن در حقوق موضوعه است، که مغفول مانده و پژوهشی جامع پیرامون آن صورت نگرفته بود تا تبدیل به کتابی و یا پایان نامه ای گردد. و لذا آنچه که باعث این تحقیق گردید جای خالی ای بود که در این زمینه احساس می شد. از آنجا که کرامت انسانی از موضوعات مشترک ادیان بوده و در اعلامیه جهانی

حقوق بشر نیز مورد توجه ویژه قرار گرفته است، بدون اینکه پایه گذاران پدیده «حقوق بشر» بخواهند و بتوانند به دین خاصی و یا مرجع خاصی استناد کنند. در فقه امامیه نیز کرامت که به معنی بزرگواری، و نزاهت از پستی و فرومایگی و برخورداری از اعتلای روحی است.^۱

« و خدای تبارک و تعالی انسان را مفتخر به آفرینش کریم کرده است تا درزمینه کرامت نفس به کمالات الهی دست یابد؛ همواره مورد توجه قرار گرفته است. بر طبق آیه «و لقد کرمنا بنی آدم»، اسری / ۷۰؛ انسان دارای کرامتی ذاتی است، که این بهترین سرمایه وجودی را می تواند شکوفا کند و یا از دست بدهد»^۲.

اگر از آغاز فقه اسلامی بخواهیم فشرده آراء فقها را درباره نیازهای جسمی و روحی انسان بیان کنیم بدین گونه خواهد بود که احکام فقهی برای حفظ و نگهداری از پنج مصلحت است که عبارت اند از:

۱- دین ۲- نفس ۳- عقل ۴- ناموس ۵- مال. که هیچ قانونی را در جهان نمی توان یافت که تا این حد فراگیر و گسترده باشد، نه در ادیان دیگر و نه در حقوق های عرفی کشورها^۳. اما از وقتی که قوانین وضع گردید و متعاقب آن اصطلاح حقوق بشر وضع گردید؛ انسان نقطه ثقل مرکزی این اصطلاح قرار گرفت، بدون اینکه بتوان برای آن ادله تاریخی و اجتماعی ذکر کرد. دنیای غرب و کشورهای غربی، براساس تجاربی طی تاریخ پیچیده خود براساس حب بغض ها بین خودشان به ویژه در قرن هیجدهم به این نتیجه رسیدند که زندگی مسالمت آمیز انسان ها زمانی ممکن است که انسان خالی و فارغ از تمام ویژگی ها مانند: دین، سیاست، نسب، حسب، نژاد، رنگ پوست، جنسیت (مرد و زن)، جاه و مقام، مال و ثروت و قدرت، و بدون هر گونه اعتباری، فقط به حکم اینکه انسان است مطرح شود؛ یعنی انسان من حیث هو انسان، نه در جایگاه مسلمان، مسیحی، یهودی، سیاه و سفید، غنی و فقیر و... همین که انسان در پدیده حقوق بشر این گونه معنا می گردد، به طور طبیعی حق و حقوق او نیز معنای دیگری می یابد. در این پایان نامه کوشیده شده است با بازخوانی مجدد آراء فقهای امامیه و تطبیق آنها با آراء مطرح در قوانین موضوعه و حقوق بشر و کنوانسیون های بین المللی و اعلامیه های جهانی حقوق بشر و بعضا به سؤالاتی که از سوی حقوقدانان کشورهای غربی و پدیدآورندگان حقوق بشر نظیر نادیده انگاشتن حقوق زن و مرد که آن را در تعارض با اصل کرامت انسانی می یابند پاسخ داده شود.

۱ جواد آملی، انتشار ۱۳۶۹، کرامت در قرآن، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ سوم: ص ۲۳ - ۲۱

۲ دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵ انتشار: ص ۲۱۸

۳ فیض کاشانی، تفصیر صافی، جلد ۱، انتشار ۱۳۷۳: ص ۱۱۹

ضرورت و اهمیت پژوهش :

کرامت انسان از اصول مهم اخلاقی در شناخت ابعاد وجودی انسان و از بدو پیدایش ویژه انسان است؛ که در مقام خلیفه الهی در وجود او تحقق یافته است. اعتقاد به حیثیت، حق حیات، حفظ جان و مال و ناموس، زیبایی دوستی، پرهیز از زشتی مفاهیمی است که نه تنها در فقه امامیه بلکه در تمام ادیان و مکاتب پذیرفته شده است. و لذا چنانچه در حقوق موضوعه که متعاقب حقوق طبیعی وضع می گردند این حق مسلم و طبیعی انسان نادیده انگاشته شود؛ با جهانی پر از ظلم، خشونت، بی عدالتی، تجاوز و جنگ طلبی مواجه خواهیم بود که در آن صورت انسان های زورمند به خود حق می دهند برای تأمین آسودگی و فراهم ساختن نیازهای خود و کسان و وابستگان خود بر اقتدار خویش بیفزایند و با متوسل شدن به چوب و چماق و شکنجه، این مهم را مورد تعدی قرار دهند. و از انسان سلب نمایند. حال آنکه «از نظرگاه ادیان کرامت انسان تجلی اراده حق تعالی است؛ عطیه ای مقدس است که به انسان داده شده است تا بتواند خود را شکوفاتر سازد و به تکالیفی که در قبال خدا و ابنای نوع خود دارد عمل کند.» [و] هیچ کس نمی تواند این عطیه الهی را از بشر سلب کند. چراکه «انسان خلیفه خدا در روی زمین است»^۱ و «انسان فطرتی خدا آشنا دارد و به خدای خویش در اعماق وجدان خویش آگاهی دارد»^۲. و او از یک کرامت و شرافت ذاتی برخوردار است. خدا او را بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری داده است. «او آنگاه خویشتن واقعی خود را درک و احساس می کند که این کرامت و شرافت را در خود درک و خود را برتر از پستی ها، دنائت ها، اسارت ها و شهوت رانی ها بشمارد»^۳. تأکید بر والایی و شرف انسان چیزی است که هم در فقه امامیه مورد توجه قرار گرفته است و هم سایر ادیان الهی را با آرمان های حقوق بشر پیوند می دهد و باتوجه به شبهاتی که از سوی برخی درمغرب زمین طرح می گردد و سؤالاتی که با اصل کرامت انسانی مطرح در فقه امامیه را معارض نشان می دهند نظیر عدم تساوی حقوق زن و مرد، عدم ممنوعیت برده داری در اسلام، ضرورت پرداختن به این موضوع را الزام می کند. یک نکته دیگر از اهمیت پرداختن به این موضوع در این است که باتوجه به پیدایش مکتب اومانیسم (اصالت انسان) که مربوط به عصر بعد از رنسانس است و پیدایش اصطلاح حقوق بشر که تاریخ پیدایی آن به عصر روشنگری و تدریج آراء و اندیشه های بزرگانی چون ولتر، منتسکیو، دیدرو، و مخصوصاً کانت مربوط است به نظر می رسد که در انتساب اصل کرامت

۱ سوره بقره: آیه ۳۰

۲ سوره اعراف: آیه ۱۷۲

۳ سوره اسراء: آیه ۷۰